

پیشگفتار

کتاب رسم وزیرکشی (حسنک وزیر و روزگارش) چنانکه از نام آن برمی آید عمدتاً شامل حوادثِ زمان و زندگانی این وزیر ناکام ایرانی است که شرح بردار کردن او بیت‌الغزل تاریخ گرانقدر بیهقی را تشکیل داده است. به سبب آنکه حسنک زاده و پرورش‌یافته شهر نسابور در دهه‌های پایانی سدهٔ چهارم هجری بوده، به بهانهٔ بیان احوال وی عمدهٔ حوادث تاریخی و اجتماعی نسابور در آن برهه، نیز جغرافیای تاریخی این شهر توضیح داده شده است؛ اما بی‌آنکه نویسنده عمده داشته باشد اهمّ حوادث تاریخ ایران شرقی در آن زمان، اعم از چگونگی زوال دولت سامانیان، برآمدن غزنویان، احوال آل‌بویه و آل‌زیار و جدال‌های این دودمان‌ها با هم، که همگی با تاریخ نسابور گره‌خورده به‌طور مستند اما ساده و روایت‌گونه در این کتاب آمده است. در این میان به سبب آنکه اغلبی از بزرگان سیاسی، علمی، ادبی و عرفانی ایران شرقی در نیمهٔ دوم سدهٔ چهارم و اوایل سدهٔ پنجم در نسابور و تاریخ آن نقشی داشته‌اند، از آنها هم در این کتاب نام برده شده و به اهمّ احوالشان پرداخته شده است، مثل فردوسی، ابن‌سینا، پسران ابومنصور محمد بن عبدالرزاق (منصور و عبدالله)، ابوسعید ابوالخیر، بزرگان خاندان میکالی نسابور (چون ابومحمد عبدالله بن اسماعیل، خواجه ابونصر احمد بن علی بن اسماعیل و فرزندانش بوالفضل و بوابراهیم، قاضی ابوالعلا صاعد بن محمد بن عبدالله)، ابوعبدالله مقدسی جغرافیدان بزرگ سدهٔ چهارم، ابومنصور ثعالبی و رجالی چون: الپتکین، سبکتکین، محمود غزنوی و خاندانش، اسفراینی وزیر، خاندان سیمجور (ابوالحسن، ابوعلی، ابوالقاسم... که والیان

سامانی در خراسان بودند)، قابوس بن وشمگیر و پسرانش (منوچهر و دارا)، رکن‌الدوله، فخرالدوله، عضدالدوله، مؤیدالدوله و مجدالدوله دیلمی، سیده شیرین همسر فخرالدوله، صاحب بن عباد، خوارزمشاهان مأمونی و آل عراق، امرای سامانی، امیر خلف صفاری و پسرش طاهر، نیز خانان قراخانی آل افراسیاب.

در نتیجه، این کتاب تقریباً شارح تاریخ ایران شرقی در یک برهه مهم و پرحادثه است، نیز راوی تاریخ و جغرافیای تاریخی شهر نساوور و به نوعی تاریخ ادبیات ایران شرقی در آن دوره است. بدین سبب ممکن است چندان باب ذائقه داستان‌خوانان نباشد، به‌ویژه از آن جهت که تعهد نویسنده به روایت مستند وقایع و پرهیز وی از ارائه اطلاعات نادرست، امکان خیال‌پردازی و خلط مسائل تاریخی را از او گرفته است. باین‌همه، نویسنده کوشیده تا با درج پاره‌ای اطلاعات شیرین تاریخی در جای‌جای کتاب و تصویرسازی‌های داستانی، ذائقه خوانندگان خود را شیرین و ایشان را مشتاق ادامه مطالعه کتاب نماید. تردیدی نیست که اگر این کتاب توسط هنرمندی داستان‌پرداز و نویسنده - به معنی اخص آن - بازنویسی می‌شد شاید به مراتب روان‌تر از آنچه هست درمی‌آمد؛ اما با وسواسی که نگارنده در روایت عین وقایع تاریخی و شرح حال‌ها به کار برده، بیم داشته که اگر اطلاعات خود را در اختیار دوستی نویسنده بگذارد شاید او در پرداخت مطالب کتاب دچار لغزش‌های تاریخی شود، که دور از غرض نگارنده است.

به خوانندگان اطمینان داده می‌شود که هیچ مطلب خلاف واقعی در این کتاب روایت نشده، مستندات آن هم قابل اعتماد است. به همین منظور، برخلاف روال معمول یک رمان تاریخی - روایی، هرجا مطلب مهم و قابل تأملی نقل گردیده مستندات و منابع آن در توضیحات ذکر شده است. در پایان کتاب هم فهرست منابع و اعلام مهم تاریخی و جغرافیایی درج گردیده است تا کسانی که به دیده علمی به مطالب این کتاب می‌نگرند بتوانند به موارد قابل جستجو و تأمل خود دست یابند و از صحت مطالب آن اطمینان حاصل نمایند.

تنها، مطالبی که واقعیت آنها بر نگارنده معلوم نشده با پندارهایی نزدیک به واقعیت، خود به روایت آنها پرداخته است که از این قرارند:

- ۱- نام و هویت خانوادگی مادر حسنک (پورانه) خیالی روایت شده است.
 - ۲- زمان دقیق ازدواج پدر حسنک (محمد میکال) با مادر وی، نیز زمان دقیق تولد حسنک معلوم نبود، در نتیجه نویسنده با احتمال، زمان آن دو واقعه را استنباط و نقل کرده، اما سال ۳۷۵ که برای ولادت حسنک در نظر گرفته شده ممکن است تنها دو - سه یا نهایتاً پنج سال با زمان واقعی ولادت او اختلاف داشته باشد.
 - ۳- زمان درگذشت پدر حسنک، عموها و عموزادگان او (چون ابومحمد عبدالله و خواجه ابونصر احمد) دقیقاً بر نگارنده معلوم نبوده است.
 - ۴- عبور ابن سینا از نساوور در حدود سال‌های ۳-۴۰۲ محل تأمل است.
 - ۵- همچنین پاره‌ای ملاقات‌ها، به صورتی که در کتاب روایت شده (مثل ملاقات ابن سینا با خاندان میکالیان در نساوور، وزیر اسفراینی با فردوسی در پاژ، گذر تاش سپاه‌سالار از پاژ و ملاقات وی با منصور عبدالرزاق در آن روستا، حضور مقدسی در خانه خواجه ابونصر میکالی ...) هرچند احتمال آنها بسیار زیاد بوده، کاملاً منطبق با واقعیت نیست.
- به جز آنچه گذشت، بقیه حوادث و توصیف‌ها مستند و قابل اعتماد است، خصوصاً در مواردی که منابع و مستندات آنها هم نقل شده است.
- نویسنده در توصیف دو شهر نساوور و بلخ، که یکی زادگاه حسنک و محل زندگی و ریاست وی و دیگری محل بردار کشیدن او بوده، با استناد به منابع مهم جغرافیایی آن زمان و اطلاعات تاریخی عصر غزنویان (خصوصاً تاریخ بیهقی) با دقت و نسبتاً مشروح قلم رانده، اما توصیف دیگر شهرهای مذکور در داستان را که نقشی در زندگی حسنک نداشته‌اند (مثل غزنه، تگین‌آباد، بُست، طابران توس، مشهد و ری) ضروری ندانسته، به همین سبب تنها به ذکر نام آنها بسنده کرده است.
- برای خوانندگان جوان فهرستی هم از لغات کتاب و معنی آنها به ترتیب الفبایی تهیه و در آخر کتاب درج شده است.

نگارنده که در اغلب موارد از نوع آموزشی تاریخ و تاریخ ادبیات در مدارس و دانشگاه‌های ایران گله‌مند بوده، در این کتاب کوشیده است تا طرحی نو برای بازگویی این دو دانش مهم دراندازد و امیدوار است که توفیق اندکی در این مهم یافته باشد.

لازم به ذکر است که بنده سیدی این کتاب را در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ نوشتم، اما اصلاح نهایی و آماده‌سازی آن برای چاپ، سال‌ها مسکوت ماند تا اینکه در سال ۱۴۰۱ با دوست دیرینم دکتر یامان حکمت تقی‌آبادی همسایه و محشور شدم و با تشویق و اعلام همکاری او به این مهم پرداختیم؛ تا حدی که مشارکت او را در حد خود دانسته و نام او را با نام خود برابر در شناسنامه کتاب آورده‌ام.

در پایان از همسرمان بانو اشرف‌السادات میرکمالی سپاسگزارم که پا به پای ما در آماده‌سازی کتاب برای رساندن آن به چاپ نهایت همکاری را داشت. همچنین از مسئول محترم انتشارات سخن، جناب آقای علی‌اصغر علمی صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم.

سید مهدی سیدی فرخند - مشهد، دی‌ماه ۱۴۰۳